



سید بشیر بهمن

به سایت وزین " پیام آزادی "

به پیشواز بیست و هفتمین سالروز شهادت رفیق بهمن (۱۳۶۰/۴/۱۲) ؛
یک تن از اسطوره های مقاومت جنبش کمونیستی افغانستان و رفقای
شهید سازمان تسلیم ناپذیر " ساوو " . تقدیم شان باد این سروده .
کبیر توخی تورنتو (۲۰۰۸/۶/۲۰)

بهمن (۱)

ای گشته نام نامی ات
درج کتیبه ی زمان
درستایشت چه نارسایم من .
ای جایگاه اسطوره مقاومتت
بلندتر از پرواز عقابان در سپهر نیلگون
که از آن اوج ها ، از آن رفعتگهی زیبا
نظاره گر جنگ زاغ وزغن و کرگس و کفتارند
بر سر دریدن سرزمین خونین پیکر مان .
در ستایشت چه نارسایم ، من

ای تو در زندان،
ای تو در میان کام و دندان
(دندان اژدهای هزار دهان)

در لحظه های زودگذر
در لحظه های دیر پای
و در لحظه های انجماد سلولستان قیرگون
هزاران بار،
الماس تن و پیکرت جویده می شد .
تا بشکند و بکشند و باز هم بشکند
قامت استوار و بلندت
که نه شکست قامتت و خم نشد گردنت .
دشمنان کردند فتنه ها ، و نشستند به تدبیر
از برای فرو بردنت ، در مرداب " تسلیم . . . " .

ای فرجادی باورمند به امر رهائی انسان درد مند
- از اسارت یوغ خونین سرمایه -
که تهمتنت خواندند "رهزنان موطلا" ؛ (۲)
و دژخیمان سیه روی فروخته سر
کشیدنت به بندی دیوار و حلقه و قفل و در
و باز هم قفل و باز هم حلقه و باز هم در .
و جلادان ؛ چه بی مهابا
می ریختند در هر پیچ و هر تاب عضله های ورزیده ات
مذاب غل و زنجیر را
و می خواستند بر بایند از کنجینه اسرار نهانت
رمز و راز " لعل شبچراغ " پنهانت (۳)
و تو ، ای اسطوره ی استوار ، مقاومت ها
که در برابر هر پرسش ،
در برابر هر خواست مزدوران دشمن
- دشمن ی مهاجم از آنطرف " آمو دریا " -

افشاندی بر منحوس چهره های کریه و کرگسی شان
تف و تف ، و باز هم تف
که نمی ارزیدند به تف .

و ز شکنجه هایت که تصویرگرش نتوانم شد،
چه بگویم که نارسایم ، من .
از چوکی چرکین - آغشته به دلمه های خون -
که چون تو ،

بستند هزاران جنگاور سوگوار و خونین تن مقاومت را
باتسمه و حلقه و زنجیر
از برای " شوک " های " الکتریک "
و ؛ اما ،

تورا ؛ با " ولتاژ " بس بلند
" ولتاژ " ای که اتصال آن بر جانت
لرزاندت و تکاندت و کف آورد بر دهانت
؛ مگر دشمن زیون (شرمسار)
حرفی نشنید از زیانت .

باز برق و برق و باز هم برق
نبودت بیمی از برق و مرگ
که از خروش خون هر رگ ایمانت
بر می خاست آذرخش آرمانت ،

بهمن !

گفته ات آمد بیاد :

« " شورش بر ضد اشغال ، برحق است در هر کجا " »

ببین ، ببین ، که مفهوم نام پرشکوهت
جاریست در بستر نبرد کار با سرمایه
هم در آغاز و هم در زندان و هم اکنون که در کشورت ،
برضد تطهیر و تقدیس تجاوزگران امریکا
آشوب و شور و شراره شده بر پا .

(۱) - « بهمن (سید بشیر بهمن) عضو کمیته مرکزی سازمان انقلابی و طن پرستان واقعی (" ساوو ") بود . وی از چهره های محبوب و سرشناس جنبش انقلابی [کمونیستی ضد امپریالیستی و نوکران اخوانی آن] ، ضد سوسیال امپریالیستی و عمال پرچی - خلقی - [وسازایی آن ، و ضد طبقات حاکمه] و سایر مرتجعان دیگر به شمار می رفت .

هنگامیکه محصل فاکولته حقوق بود (۱۳۴۷) . به خاطر فعالیت های سیاسی محکوم به چهار سال حبس در زندان معروف دهمزنگ کابل گردید . بعد از سپری نمودن زندان ، فاکولته حقوق را [در پوهنتون کابل (دانشگاه)] به اتمام رساند . در وزارت عدلیه مشغول کار شد .

بهمن هشت ماه بعد از تجاوز ارتش اشغالگر روس به افغانستان ، به تاریخ چهارم سنبله ۱۳۵۹ با سه تن از همزمانش توسط خادی های مزدور دستگیرشد ، و به تاریخ دوازدهم سرطان ۱۳۶۰ ، با پنج همزنجیرش (استادمسجدی ، انجنیر لطیف محمودی ، نجیب ، یونس زریاب و شیر علم) ؛ اعدام گردید . [این کمونیست نامورکشور] در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان خادی آموزش دیده در شوروی [که به دستور مشاورین نظامی روسی ، بر پیکر پولا دینش تمرین میشد] حماسه آفرید . هیبت و صلابتش در جریان شکنجه ، پشت KGB و چاکران خلقی - پرچی اشرا به لرزه در آورد . چنانچه دژخیمان خاد [که در برابر زندانیان یک دیگر شان را " لا لا " صدا می زدند] نالش کنان به همدیگر می گفتند : " لا لا ، چوب سر آب را هر چه می زنیم زیر نمی نشیند " . و جلاد دیگر [از جمله قیوم صافی] شکوه کنان می گفت : " ... هر دفعه که از او سوال می کنیم به روی ما نف می اندازد ... " .

بهمن بار ها تاکید می کرد که اخوان دهها بار سفاکتر و میهن فروستر از خلقی ها و پرچی هاست ؛ حتی لحظه ای از مبارزه بر ضد آنان نباید غافل شد .

" افسوس که بهمن زنده نماند تا به چشم واقعیت آنچه را بر زبان رانده بود مشاهده می کرد و با استواری بی نظیرش علیه خاینان بنیاد گرا نیز حماسه می آفرید " . « .

[درختم یادشت از این قلم در مورد بهمن ، جمله اخیر (" افسوس که بهمن ... ") از جانب دوستی که سروده فوق را به سایت " به اشعار دشنه گون خوش آمدید " فرستاده بود ، علاوه شده ، و نکات بین مربع قوس] [در جریان چاپ این دفتر به زیر نویس اضافه گردیده است] .

سالهاست که " عبور لحظه ها " در سایت وزین و پر محتوای (" به اشعار دشنه گون خوش آمدید ") بر قرار می باشد .

مجموعه اشعار متن دفتر " عبور لحظه ها " بر روی سایت چریکهای فدایی خلق ایران (<http://www.fadaee.org/>) یا (<http://www.siahkal.com>) . سایت وزین (www.baaba.eu) و سایت وزین (www.payameazadi.org) نیز برقرار گردیده است (پ . رتیبیل)

(۲) - " رهنان موطلا " : اشاره به اعضای (KGB) در نقش مشاورین نظامی شکنجه گاههای خاد و زندان ها در افغانستان .

(۳) - " لعل شبچراغ " اشاره ایست به سازمان تسلیم ناپذیر (" ساوو) .